



روایت دست اول صادق امامی

خبرنگار «فرهیختگان» از وقایع اخیر بندر ماهشهر

شرح ماجرای

ماهشهر

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان
۱۶ صفحه
تورن ۲۰۰۰ تومان
شهرستان‌ها و واحدهای
دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

شماره مسلسل ۳۶۶۱
چهارشنبه ۱۳ آذر ۱۳۹۸
۷ دین‌لبنی ۱۴۴۱
۴ دستان ۳۰۱۹
شماره ۲۹۲۲

www.fdn.ir | Wed | 04 Dec 2019 | vol.10 | No. 2923 | 16 Pages



نگاهی به فیلم سینمایی «مرد ایرلندی» تازه‌ترین اثر سینمایی مارتین اسکورسیزی



گنگستر پلیس آمریکا

۱۳، ۱۴

مسعود درخشان، استاد تمام اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی:

نباید قیمت بنزین پراید و پورشه برابر باشد

۸

علی اصغر پیوندی، رئیس جمعیت هلال احمر از سمت خود استعفا کرد

رازهای ساختمان صلح ۲

۱۶

«فرهیختگان» رفت‌وآمدهای دیپلماتیک و مذاکرات مقامات کشورهای مختلف با ایران را در روزهای اخیر بررسی کرد

ریاض پیام مذاکره فرستاد نه آمریکا

۲



تیتریک | شرح ماجرای ماهشهر



صادق امامی

خبرنگار اعزامی فرهیختگان به ماهشهر

اگر در شبانه‌روز حتی کمتر از یک ساعت هم درگیر شبکه‌های اجتماعی بوده باشید، آنقدر درباره ماهشهر توییت، مطلب و گزارش در این چند روز خوانده‌اید که کنجکاو باشید بدانید پس از افزایش چند برابری قیمت بنزین چه اتفاقی در این شهر افتاده است؟ به قدری روایت‌ها از حوادث ماهشهر و به‌ویژه در شهرک آیت‌الله طالقانی (کوره) و شهرک شهید چمران (جراحی)، عجیب و غریب است که هیچ‌راهی جز سفر به ماهشهر- برای اطلاع از آنچه رخ داده است- وجود ندارد. این همان راهی است که من یکشنبه انتخاب کردم و چند ساعت بعد در فرودگاه اهواز بودم. برای شناخت دقیق از ادعاهای دوطرف، بررسی گزارش‌های رسانه‌های غربی، توییت‌ها و پست‌های اینستاگرامی و حتی بخشی از کامنت‌های منتشرشده درباره وقایع هفته اول سهمیه‌بندی بنزین اجتناب‌ناپذیر بود. صبح‌دوشنبه اهواز را به مقصد ماهشهر ترک کردم تا به‌عنوان شاهد عینی، روایتی دقیق‌تر از آنچه در رسانه‌ها از داستان ماهشهر منتشرشده، گزارش کنم. این گزارش برآیند گفت‌وگوهای رودررو با مقامات محلی، شاهدان عینی و اثراتی است که هنوز در کانون اعتراضات و اغتشاشات خودنمایی می‌کند. در ماهشهر منتظر یک شاهد عینی ماجرا بودیم. چند دقیقه‌ای زودتر سر قرار رسیدیم و این بهترین فرصت برای یکی از افراد حاضر بود؛ فردی جوان، هیکلی و دارای اضافه‌وزن قابل‌تامل تا برایمان چیزهایی بگوید که دیده و شنیده بود. می‌گوید «در بخش‌هایی از شهر سلاح به‌وفور در دست افراد است و کلاش (کلاشینکف) مثل «نقل و نبات» ریخته. راست هم می‌گفت، همین راننده‌ای که کنارم نشسته است، در سمت راست پهلوش- که کت آن را پوشانده- برآمدگی یک کلت مشخص است. بخش‌هایی از گزارش‌های منتشرشده را که می‌شنود، برای پاسخ شرح حال یکی از اقوامش را که جمعه در جریان مسدود کردن جاده گیر افتاده بود، تعریف می‌کند: «یک فامیل معلول دارم که از کودکی پایش مشکل داشته. الان حدود ۲۸ سالش است. جلوی ماشین او را گرفته بودند که با چه اجازه‌ای از این جاده عبور کرده‌ای؟ گفته بودم معلوم و بدون ماشین امکان تردد ندارم. از او پرسیده بودند که راستش را بگو، معلولی یا جانبا؟» ادامه می‌دهد: «یعنی می‌خواهم بگویم اینها به جانبا هم رحم نمی‌کردند. اگر مشخص می‌شد کسی جانبا است، معلوم نیست چه بلایی سرش می‌آوردند. گفته بود اصلاً به سن من می‌خورد جانبا باشم؟ این طوری از دست‌شان نجات پیدا کرد.» کادپیوت‌ش را روشن می‌کند و می‌گوید فیلمی را ۲۰۰ بار دیده، ظاهراً فیلم توسط دوربین یک مغازه ضبط شده است. در فیلم، یک مرد وزن کارمند، پیاده در حال گذر از مسیری هستند که اغتشاشگران بسته بودند. یک موتورسوار با دو سرنشین دیگر و زنجیر جلوی آنها را گرفته و کیف‌خاتم را در حالی از دستش کشیده و برده که حداقل پنج مرد در همان حوالی بوده‌اند. هیچ‌کس هم جرات نداشت کاری کند. خودش می‌گوید: «کافی بود این پنج مرد کمی حمایت می‌کردند ولی نکردند.»

چند دقیقه‌ای نگذشته بود که شاهد اصلی ماجرا آمد. او می‌گوید: «نقطه شروع اعتراضات در شهرستان ماهشهر، جمعه‌حوالی ساعت ۱۱ از شهرک طالقانی (کوره) آغاز شد و دو ساعت بعد به ماهشهر رسید. در ماهشهر هنوز نام برخی از شهرک‌ها، با نام سابق‌شان شناخته می‌شود. مثلاً «کوره» یا همان طالقانی شهرکی است که در گذشته در آن کوره‌های آجرپزی قرار داشته است. می‌گوید: «جاده‌های اصلی شهر و ورودی و خروجی ماهشهر به‌همه‌جا بسته شده.» به اهمیت ماهشهر که شهری ترازینتی است اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «بنزین کشور از پالایشگاه‌های ماهشهر می‌آید، اما در همین شهر هندیجان که کنارمان است، می‌گفتند بنزین به

خودروی اسقاطی را برای جلوگیری از باز شدن در، پشت آن گذاشتیم. یک نفر هم از در اصلی با کلاشینکف بالا آمد و به سمت ساختمان تیراندازی کرد تا کسی نتواند از آن خارج شود. فرمانده حوزه که در شبکه‌های اجتماعی درباره او کم‌نوشته‌اند، در پاسخ به اینکه کسی هم در این درگیری کشته شد، می‌گوید: «به ما اعلام شده بود اگر از دیوار هم بالا آمدند شلیک مستقیم نکنید. اگر با سلاح وارد شدند و خواستند حوزه را تصرف کنند، فقط مجاز به شلیک از کمر به پایین هستیم.» در بیرون حوزه، تابلوی فلزی وجود دارد که قرار بوده بنر حوزه را روی آن نصب کنند. روی این تابلو، رد حداقل ۳۰ ساچمه به چشم می‌خورد. معلوم نیست چرا به این تابلو شلیک کرده‌اند. اتفاقات اصلی کمی آن سوتر از حوزه بسیج و در دروازه قرآن و محوره‌های دیگر مواصلاتی افتاده است. آنطور که شاهدان در ماهشهر و شهرک می‌گویند، جرقه شروع اعتراضات از همین شهرک طالقانی زده شده است. هرچند اغتشاشات در این شهرها تمام شده است اما مردم می‌گویند هنوز عناصر اصلی دستگیر نشده‌اند. به همین خاطر تقریباً هیچ‌کس حاضر نمی‌شود مقابل دوربین از آنچه بر این شهر گذشته بگوید. حتی برای ضبط صدا هم محدودیت دارند و مجبور شدم از خودکار و کاغذ برای ثبت وقایع کمک بگیرم. یکی از شاهدان ماجرا می‌گوید: «ما در کل شهرستان ماهشهر آغازگر اعتراضات بودیم. ساعت ۱۱ صبح جمعه حدود ۴۰ نفر در اعتراض به افزایش قیمت بنزین مقابل پمپ بنزین جمع شدند. آنها می‌گفتند که بنزین گران شده، ما فقیریم، کار نداریم و با این وضع‌طور زندگی کنیم؟ حق ما داشتند واقعا مردم در این شهر با فقر و تبعیض دست‌وپنجه نرم می‌کنند. فقری که فقط برای ماست. با این حال اعتراضات در عصر جمعه شکل دیگری گرفت. ساعت ۱۷ عده‌ای از معترضان، اقدام به بستن مسیر ترازینتی شهرک به سمت ماهشهر کردند. آنها روبروی جایگاه پمپ بنزین حاج ابراهیم ریحانی (معروف به پمپ بنزین ذوالفقار) لاستیک لودری را آتش زدند و تجمع کردند. مسیر دیگری که بسته شد، ورودی شهرک طالقانی و نزدیک دروازه قرآن بود. برای این کار دلیل هم داشتند. از همان دقیق اولیه می‌گفتند که اگر جاده ترازینتی شهرک به سمت شرکت‌ها را ببندیم، اقتصاد ایران فلج می‌شود.» منظور آنها چند دهه شرکت پتروشیمی است که در ماهشهر فعالیت می‌کند. ادامه

می‌دهد «معترضان ساعت ۱۱ بمداد روز شنبه، ورودی پل نزدیک دبیرستان شهید روشن‌یخت را هم مسدود کردند. جاده‌هایی که مسدود شدند، ترازینتی بودند و روزانه ده‌ها کامیون از آن عبور می‌کرد. با این وضعیت همه آنها متوقف شده بودند. معترضان از همه آنها سوئیچ ماشین‌هایشان را گرفتند تا حتی اگر راه باز شد، نتوانند عبور کنند. عوامل اصلی که اقدام به بستن مسیرها می‌کردند، موادفروش یا اسلحه‌فروش بودند. آنها راننده کامیون‌ها را می‌ترساندند و از آنها پول و گوشی موبایل‌شان را می‌گرفتند. جالب است بدانید حتی گشت شبانه‌ران‌انداخته بودند و در مسیر گشت می‌زدند. کار به جایی رسیده بود که مصرف‌کنندگان مواد مخدر هم به میدان آمدند و ماشین‌های سبک- بسته به نوع ماشین- با زور اسلحه باج می‌گرفتند. یکی از اهالی شهرک شهید چمران (جراحی) که در آنجا هم از شیوه بستن راه‌ها استفاده شده بود، درباره پیچیدگی اقدام اغتشاشگران در شهرک طالقانی این‌طور روایت می‌کند: «اتفاقات

شهرک طالقانی را به چشم ندیدم ولی از چند نفر شنیدم. وضعیت شهرک طالقانی بسیار بدتر از شهرک ما بود. آنها کلاً راه را بسته بودند. بخش زیادی از کارکنان شرکت، از ماهشهر می‌آیند ولی اغتشاشگران تمامی راه‌های اصلی را بسته بودند، حتی کامیون‌هایی که برای اداره بندر و اسکله و پایانه بندر بار می‌بردند، نمی‌توانستند بیایند. اگر راننده‌ای برای رفتن مقاومت می‌کرد، کتک می‌خورد.» از تعبیر جالبی برای بستن جاده‌ها استفاده می‌کند: «تقریباً می‌توانم بگویم اینها ساماندهی شده بودند چون «قشنگ» کار کرده بودند. نفر قشنگ می‌دانست کجا باید بایستد و کجا را باید بستند. تلفنی تماس می‌گرفتند و می‌گفتند فلان نقطه را ببندید. مشخص بود هماهنگ کرده بودند و قرارشان این بود که شاهراه‌های اصلی را ببندند. هدف‌شان هم این بود که پتروشیمی بخوابد و تعطیل شود.» یکی دیگر از افرادی که دو شب اول در میان اعتراضات حضور داشته، می‌گوید: «اغتشاشگران در شهرک شب‌ها شعار «الاحواز، الاحواز» سر می‌دادند. منظورشان این بود که اقدام‌شان جرقه‌ای برای آزادسازی اهواز است. می‌گفتند «روح و خون مان هم برود، شهرک را نمی‌دهیم و الاحواز را هم نمی‌دهیم.» شب‌ها از ورودی دروازه قرآن تا خود شهرک «بزله» (پایکوبی به عربی) می‌کردند. در حین پایکوبی تیراندازی‌های پراکنده هم داشتند تا مردم را بکشانند. صبح شنبه ۲۵ آبان‌ماه زمانی که مردم می‌خواستند سر کار بروند، کسانی که مسیر را بسته و صورت خود را با چغیبه پوشانده بودند تا شناسایی نشوند، جلوی مردم را با سلاح سرد و چماق می‌گرفتند تا از شهرک خارج نشوند. با وجود اعتراض مردم آنها حق ورود و خروج را به مردم نمی‌دادند. یکی از مقامات محلی می‌گوید: «هسته‌های اصلی این اغتشاشات، با هم ارتباط داشتند. به‌عنوان مثال روز یکشنبه بعد از اینکه خبر رسید در شهرک رجایی بین ماموران و اغتشاشگران درگیری شکل گرفته است، حدود ۴۰ نفر در حالی که صورت‌شان را با چغیبه پوشانده بودند، با ۱۵ سلاح به سمت شهرک شهیدرجایی رفتند تا به اغتشاشگران کمک کنند. شب، بعد از فروکش کردن درگیری‌ها باز به شهرک برگشتند.» یکی دیگر می‌گوید که «شنبه و یکشنبه اغتشاشگران، برخی کامیون‌هایی را که بار میوه داشتند غارت کردند. آنها بار سرتقی را به شهرک آوردند و به مردم نه به صورت رایگان که با قیمتی ارزان‌تر فروختند. آنها اعلام می‌کردند بیند مدیریت ما بهتر است یا مدیریت دولت! به مردم می‌گفتند اگر شما با ما باشید، می‌توانیم زندگی بهتری برای شما فراهم کنیم.» یکی از شاهدان که راننده شرکت پتروشیمی و ساکن ماهشهر است، درباره درگیری‌ها و کشته‌های می‌گوید: «در ماهشهر به دلیل حمله اغتشاشگران به فرمانداری یک یادونفر کشته شدند اما در چمران و طالقانی تا روز دوشنبه با وجود بسته شدن جاده‌ها، هیچ درگیری جدی‌ای شکل نگرفت.» دوشنبه بعد از برخی درگیری‌ها در شهر چمران، در طالقانی پیچید که درگیری به اینجا هم کشیده می‌شود. پس هرکس اسلحه و هر چه دارد بیآورد و کمک کند. آنطور که گفته می‌شود پس از گذشت سه روز از بسته شدن راه‌های ترازینتی، دوشنبه بعد از ظهر نیروهای نظامی و امنیتی اعلام کردند که قصد باز کردن مسیر را دارند.

ادامه در صفحه ۱۴

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر علی اکبر ولایتی

با کمال تأسف و تالم درگذشت همشیره مکرمه را به جنابعالی و سایر بازماندگان محترم تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه طلب رحمت و غفران واسعه الهی و برای بازماندگان صبر جمیل از خداوند منان مسالت دارم.

مصطفی رستمی
رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

انا لله و انا الیه راجعون

جناب آقای دکتر علی اکبر ولایتی، مشاور عالی محترم مقام معظم رهبری ضایعه درگذشت همشیره مکرمه موجب تألم و تأثر خاطر شد. اینجانب مصیبت وارده را به حضرتعالی و خانواده محترم تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوند رحمان برای آن بانوی مومنه رحمت و مغفرت الهی، برای عموم بازماندگان صبر و اجر و برای شما سلامتی و مزید توفیق خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی، مسألت دارم.

حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران